

## **animus donandi in contract of reward**

Ali Haddadzadeh <sup>۱</sup>

1- PhD in Private Law. Qom University Faculty of Law

### **Abstract.**

contract of reward is a judicial organization in which the contractor is imposed to pay a wage to the worker. When the worker do the subject of contract, typically anticipate to get his wage .judicial justice also confirm this matter. Unless the worker tend to not get his wage or contact condition prohibits him from getting his wage. Hence legal experts introduce worker intension to release the contractor obligation about his wage, as his gratis to the contractor. In reward contracts, moreover worker gratis, there is contractor gratis and tertiary gratis.as the result we will know that if someone do the offer they will be entitled to get the wage so the contractor intension to not pay the wage isn't important. But in a case the doer will not be paid, if he does the work without someone desire.

### **Keywords :**

contract of reward, animus donandi, gratis in reward contract, Forgery.

---

<sup>۱</sup> Email: Haddadzadeh\_ali@gmail.com

## تبرع در جعاله

دکتر علی حدادزاده<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۲۱

### چکیده

جعاله نهاد حقوقی است که در آن جاعل ملتزم به پرداخت اجرتی به عامل، در قبال انجام عملی می‌شود. هنگامی که عامل، عمل را به پایان می‌رساند، معمولاً انتظار دریافت اجرت دارد و قواعد و اصول حقوقی نیز ایجاب می‌کند که اجرت تعیین شده از سوی جاعل، به او پرداخت گردد. البته به استثناء موردی که نیت عامل در دریافت اجرت یا شرایط جعاله به گونه‌ای باشد که عالم حقوق، او را مستحق دریافت اجرت نداند. به همین جهت حقوقدانان نیت عامل در عدم دریافت اجرت از جاعل را تبرع عامل نسبت به او دانسته‌اند. در جعاله به جز عامل افراد دیگری نیز وجود دارند که ممکن است نیتشان مبتنی بر تبرع باشد. از جمله جاعل و اشخاص ثالث. در این مقاله که مبتنی بر روش استدلالی فقهی حقوقی است سعی خواهد شد که با استفاده از منابع فقهی و قانونی به فروض مختلف تبرع در جعاله پاسخ دهیم که نهایتاً این نتیجه به دست می‌آید؛ در صورت انجام گرفتن موضوع جعاله، عامل مستحق اجرت است و نیت جاعل در تبرع نسبت به پرداخت اجرت به عامل هیچ‌گونه تاثیری در تعلق مال الجعاله (جُعَل) به عامل ندارد مگر اینکه عامل خود قصد تبرع داشته و یا بدون درخواست جاعل از او، موضوع جعاله را انجام داده باشد که در این صورت نیز عامل مستحق اجرت نیست.

واژگان کلیدی: جعاله، تبرع، جُعَل، عامل ثالث.

<sup>۱</sup> - دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، ایران.



## مقدمه

جعاله طبق نظر فقها انشائی است که در آن جاعل ملتزم به پرداخت عوضی به عامل در برابر انجام عملی حلال و عقلایی است که عامل برای او انجام می‌دهد (نجفی، ۱۳۷۲، ۱۸۷، ج ۳۵). از سویی همیشان در مقام حرمت مال و عمل مسلمان قائل به تعلق ارزش مالی به این دو هستند (نجفی، ۱۳۷۲، ۲۰۷). حتی بعضی از ایشان از این میزان نیز فراتر رفته‌اند به گونه‌ای که مال و عمل انسان غیر مسلم را هم محترم شمرده‌اند (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ۴۵). بنابراین بر مبنای سبقه فقهی که در این زمینه وجود دارد، مطمئناً مال و عمل انسان دارای ارزش مادی است. با این حال طبق نظر فقها در بعضی موارد در قبال مال و عمل انسان عوض مادی قرار نمی‌گیرد چرا که ممکن است خود انسان از ارزشی که در برابر عمل و مالش قرار می‌گیرد صرف نظر کند (امام خمینی، ۱۳۶۸، ۵۱۶). لذا حقوقدانان نیز بر مبنای همین نظرات فقهی، در مواردی که در تعلق ارزش مادی به صاحب مال یا کار شک می‌کنند، اصل و قاعده را بر تعلق آن ارزش به آن شخص می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۲۳۴) و در نهایت می‌گویند که اصل بر عدم تبرع اشخاص به هنگام انجام عملی برای دیگران است و برای این موضوع دلایل قانونی را نیز ذکر کرده‌اند که می‌توان به مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی اشاره کرد. به نحوی که ماده ۳۳۶ می‌گوید: هرگاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی باشد و یا آن شخص عادتاً مهبای آن عمل باشد، عامل مستحق اجرت عمل خود است مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع دارد یا در ماده ۳۳۷ که قانونگذار استیفاء از مال غیر بر حسب اذن صریح یا ضمنی او را مستوجب تعلق اجرت المثل به او می‌داند مگر اینکه معلوم شود که اذن در انتفاع مجانی بوده است. همانطور که حقوقدانان گفته‌اند این ماده مختص عین اموال نیست بلکه شامل استیفاء از کار هم می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۲۸۹).

این مواد اگر چه در باب استیفاء آمده‌اند اما در بردارنده ی حکمی عام در ذیل یک موضوع خاص (استیفاء) می‌باشد، البته همانگونه که در مواد قانونی نیز آمده است تعلق عوض مادی برای صاحب مال یا کار دارای شرایطی از جمله درخواست آن کار از جانب دیگران است. با این حال اصل عدم تبرع در جعاله که مبتنی بر نظر فقها و برگرفته از مفاد قانونی است با موانعی چون اصل برائت جاعل در پرداخت اجرت روبروست. به گونه ای که از یکسو طبق اصل برائت در صورت وجود شک در وجوب پرداخت اجرت توسط جاعل، او را بری از پرداخت می‌دانیم و از سویی عامل را طبق قاعده احترام مال و عمل مسلمان و اصل عدم تبرع

مستحق اجرت می دانیم که در متن مقاله به این تعارضات پاسخ خواهیم داد. پرسش مطرح در این مقاله در رابطه با چستی تبرع در جعاله و احکام و شرایط آن است. به گونه ای که این سوال مطرح میشود که عالم حقوق چه هنگامی تبرع در جعاله را و بر مبنای چه احکام و شرایطی دارای اثر میدانند؟ این پرسش از آن رو اهمیت دارد که در صورت به دست آمدن احکام و شرایط تبرع در جعاله می توانیم آن احکام و شرایط را در تمام تبرعاتی که در نهادهای گوناگون حقوق ممکن الوقوع هستند، سرایت دهیم. بدین منظور در این مقاله نخست به بررسی تبرع و ماهیت آن خواهیم پرداخت و سپس احکام، شرایط و آثار آن را روشن می سازیم که در نهایت به روشن شدن وضعیت تبرع در مصداق های مختلف جعاله ختم می شود.

## ۲- مفهوم و ماهیت تبرع

### ۱-۲ مفهوم تبرع

تبرع در لغت به معنای برای رضای خدا کار کردن، بخشیدن، هدیه دادن و اهدا کردن آمده است (فرهنگ معین، تبرع). لذا کاری که با نیت تبرع انجام می شود ملازم با هدف خیرخواهی است که بدون چشم داشت به دریافت عوض مادی صورت میگیرد. از همین رو در صدقه که مصداق بارز تبرعات است صحت وضعی آن منوط به نیت تقرب به خداوند و عدم دریافت عوض می باشد (لطفی، ۱۳۹۲، ۴۳).

از طرفی تبرع معنای دیگری دارد. بدین توضیح که تبرع در معنای انجام دادن کاری برای دیگری بدون درخواست آن شخص می باشد (لطفی، ۱۳۹۲، ۲۸). و به چنین عملی به جهت عدم تاثیر آن در دریافت مزد، عمل تبرعی گفته اند. البته در چنین شرایطی که عامل قصد تبرع ندارد و با قصد دریافت اجرت اقدام به عمل نموده است، از آنجا که قانون مدنی طبق ماده ۳۳۶ عمل انجام گرفته برای دیگری را بدون درخواست آن شخص فاقد صلاحیت برای تعلق اجرت به او می داند، چنین فردی را در حکم متبرع میدانیم در حالی که در موارد دیگر که عامل خود تمایل به دریافت اجرت نداشته، به آن شخص متبرع می گوئیم و نه در حکم متبرع.

۱- ماده ۳۳۶ قانون مدنی: هر گاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرت بوده و یا آن شخص عادتاً مهبای آن عمل باشد، عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع داشته.

## ۲-۲ ماهیت تبرع در جعاله

همانگونه که قانونگذار در ماده ی ۵۶۱<sup>۱</sup> قانون مدنی در تعریف جعاله از لفظ التزام استفاده کرده است استنباط می کنیم که جعاله یک نهاد حقوقی عهدی است لذا چه آن را عقد بدانیم یا ایقاع و یا سبب، به هر حال التزامی است که موجب تعهد جاعل به پرداخت اجرت می شود لذا به هیچ عنوان عمل حقوقی تملیکی نمی باشد. همین موضوع دستاویزی برای به دست آوردن ماهیت تبرع در جعاله می باشد. بدین عبارت که ممکن است تبرع در جعاله دارای ماهیت اذنی یا حقی باشد. از آنجا که تبرع در جعاله در فواصل زمانی مختلفی روی می دهد به گونه ای که گاهاً عامل در ابتدای انجام موضوع جعاله قصد تبرع می کند و در بعضی مواقع قصد تبرع در میانه ی انجام عمل یا پایان کار بروز پیدا میکند به گونه ای که نسبت به آنچه انجام داده قصد تبرع می کند. بنابراین ماهیت تبرع در جعاله بر مبنای زمان وقوعش میتواند اذنی یا حقی باشد که در ذیل به توضیح آن میپردازیم.

### ۲-۲-۱- ماهیت تبرع پیش از انجام گرفتن موضوع جعاله

در اینجا از آنجا که عامل هنوز هیچ جزئی از موضوع جعاله را انجام نداده است بنابراین نیت ابتدایی او هیچ گونه تعهدی را بر ذمه ی جاعل قرار نمی دهد لذا تعهدی در اینجا بر ذمه ی جاعل به وجود نیامده. تبرع در این حالت ماهیتی اذنی دارد که شخص جاعل را مجاز به استفاده از عمل عامل به نحو رایگان می کند و به نوعی نشان دهنده این است که عامل از حق مالکیت خود بر بهره مند شدن از منافع عملش اعراض نموده است (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۴۴). که می توانیم تبرع را در اینجا در حکم اعراض بدانیم.

### ۲-۲-۲- ماهیت تبرع پس از انجام گرفتن موضوع جعاله

در این حالت چون عامل مقداری از موضوع جعاله را انجام داده است و هیچ گونه قصدی بر تبرعی و مجانی بودن عملش نداشته است بنابراین ذمه ی جاعل مشغول به تعهدش مبنی به پرداخت اجرت به عامل می شود پس اگر عامل در میانه یا انتهای انجام عمل نسبت به اعمال گذشته قصد تبرع کند به نوعی ذمه ی جاعل را از پرداخت اجرت رها کرده است و در

<sup>۱</sup> - ماده ۵۶۱ قانون مدنی: جعاله عبارتست از التزام شخصی به ادای اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از آنکه طرف معین باشد یا غیر معین.

حقیقت او را ابراء نموده است (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۲۴۶). لذا تبرع در اینجا ماهیتی چون ابراء دارد و میتوانیم تبرع در چنین حالتی را در حکم ابراء بدانیم.

### ۳- احکام تبرع در جعاله

فارغ از خود جعاله که یکسری احکام بر آن بار می شود تبرع در آن نیز دارای احکامی می باشد بدین توضیح که اگر چه تبرع در زمره ی دواعی و انگیزه هاست اما همانگونه که گفته شد نتیجه ی آن منجر به عمل حقوقی اعراض و یا ابراء میشود. بنابراین در اینجا لازم می دانیم که تبرع در جعاله را بر مبنای احکام تکلیفی و وضعی بررسی نماییم به نحوی که بتوانیم تبرعات صحیح را از باطل تفکیک نماییم.

#### ۳-۱- بررسی تبرع در جعاله بر مبنای احکام تکلیفی

همانگونه که اصولیون احکام تکلیفی را تعریف نموده اند، این احکام جهت نظم بخشیدن به زندگی مادی و معنوی بشر و در مورد افعال مکلفین و ضوابط مربوط به آن از جانب خداوند متعال تشریح شده است. همانگونه که گفته شد اگر چه تبرع از دواعی است با این حال نتیجه ی آن منجر به عمل حقوقی اعراض و یا ابراء می شود لذا در اینجا این مساله مطرح می شود که تبرع در جعاله بر مبنای احکام تکلیفی از چه وضعیتی برخوردار است؟ لازم به ذکر است که گفته شود بعضی از فقها در بحث جعاله واجب نبودن موضوع جعاله را لازم دانسته اند. هر چند که در صورت ایجاب چنین جعاله هایی وضعیت صحت و بطلان آن را مشخص نکرده اند. از سویی گروهی دیگر این نوع جعاله را باطل اعلام نموده اند (نجفی، ۱۳۷۲، ۱۹۲؛ امام خمینی، ۱۳۶۸، ۵۱۶). با این حال به نظر میتوان گفت که چنین جعاله ای بر مبنای قرارداد، عامل را ملزم به انجام کار در برابر جاعل میکند (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۵۴).

به هر حال فارغ از بحث صحت یا بطلان چنین جعاله هایی و بر فرض تعلق اجرت به عامل در جعاله هایی که موضوعشان امور تکلیفی واجب است در اینجا صرفاً به احکام تکلیفی تبرع در جعاله های با موضوع مشروع میپردازیم. از آنجا که تبرع جاعل و عامل به دنبال انعقاد جعاله واقع می شود به گونه ای که جعاله سبب متعهد شدن جاعل به پرداخت اجرت است. بنابراین در مواردی ممکن است جاعل نسبت به موضوعی متعهد به پرداخت اجرت شود که شارع مقدس انجام آن را از جانب مسلمین واجب دانسته است به نحوی که ایشان را از پول گرفتن در برابر آن عمل منع نموده است. مثل اجرت گرفتن طبیب در برابر درمان آنچه که

جان آدمی را در خطر قرار داده است (لطفی، ۱۳۹۲، ۱۲). بنابراین در این حالت اگر چه جاعل ملتزم به پرداخت اجرت شده و عامل نیز قصد دریافت آن را دارد اما شارع در اینجا مانع از پرداخت اجرت می شود لذا اگر کسی در اینگونه جعاله ها ملتزم به پرداخت اجرت باشد حق پرداخت اجرت به عامل را ندارد و نیز عامل حق دریافت آن را ندارد چرا که اکل مال به باطل می شود.<sup>۱</sup> به همین سبب شاید بتوان گفت در اینجا به نوعی جعاله ی واجب التبرع صورت گرفته. لذا ما قائل به بطلان جعاله های با موضوع واجب تکلیفی نیستیم اگرچه عامل را نیز مستحق اجرت نمیدانیم. با این حال بعضی از حقوقدانان در رابطه با چنین جعاله هایی در صورت وجود قرارداد میان جاعل و عامل، عامل را مستحق اجرت می دانند. (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۵۴).

در حالت دیگر ممکن است بگوییم در جعاله های با موضوع مشروع، تبرّع در آن حرام است. فرض کنید که محجوری موضوع جعاله را برآورده می کند به گونه ای که فقها این محجور را مستحق اجرت بدانند. (نجفی، ۱۳۷۲، ۱۸۹، جلد سی و پنج) (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸، ۵۱۴، جلد دوم) با این حال دریافت یا عدم دریافت اجرت محجور در اختیار ولی یا قیم اوست لذا همانگونه که حقوقدانان گفته اند اگر عمل حقوقی مسئول محجور به نیابت از او مضر صرف به حال محجور باشد ولی و قیم او حق ندارند بر علیه منافع محجور چنین عمل مضری انجام دهند (صفایی، ۱۳۸۸، ۳۲۲). بنابراین به حکم شرع مقدس ولی مکلف به دریافت اجرت برای محجور در چنین جعاله هایی است لذا چنین جعاله هایی ممنوع التبرّع هستند. با این حال اگر مسئول محجور اجرت جعاله را برای او اخذ نکند خودش از باب مسئولیت مدنی، مسئول پرداخت اجرت عمل محجور است که باید اجرت المثل عمل محجور را به او بپردازد.

در مواردی نیز موضوع جعاله از مستجاب، مکروهات و یا مباحات است که در اینجا عامل می تواند در انجام امور مستحب از دریافت اجرت بگذرد که این چنین تبرعی به حکم آیه ی تعاونوا علی البر و التقوی و روایت فاستبقوا الخیرات مستحب است. در امور مکروه و مباح نیز به حکم عموم آیه و روایت مذکور می توانیم تبرع در جعاله را مستحب بدانیم.

<sup>۱</sup> - ولا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل

### ۲-۳- بررسی تبرع در جعاله بر مبنای احکام وضعی

همانگونه که میدانیم احکام وضعی در رابطه با وضعیت صحت و بطلان اعمال شرعی و حقوقی وضع گردیده اند (مرادی، ۱۳۹۴، ۵۴). در مورد آنچه از اعمال حقوقی که به تبع تبرع واقع می شود لازم است بگوییم اصولاً اعراض و ابراء مبتنی بر تبرع از وضعیت صحت برخوردار میباشند مگر آنکه خلاف آن ثابت شود چرا که اصل بر عدم بطلان این گونه اعمال است (محمدی، ۱۳۹۰، ۳۰۰). با این حال در بعضی موارد خاص مثل جایی که جاعلی که مستلزم به پرداخت اجرت شده و قصد پرداخت اجرت را نداشته باشد. که در اینجا تبرع او اثری در براءت ذمه او ندارد. یا در حالتی که محجوری موضوع جعاله را انجام داده است مسئول حقوقی او نسبت به اجرتی که باید به او پرداخت شود قصد تبرع کند که در صورت ضرر داشتن این عمل برای محجور، تبرع مسئول نسبت به محجور باطل است ولو اینکه نسبت به جاعل صحیح باشد.

### ۴- شرایط تبرع در جعاله

برای اینکه انگیزه تبرع عامل در جعاله دارای اثر باشد لازم است یک سری شرایط به وجود آید تا بتوان گفت قصد تبرع عامل دارای اثر است. این شرایط بدین شرح است:

- ۱- انجام عمل به درخواست جاعل باشد.
- ۲- به عامل طبق عرف اجرت تعلق بگیرد.
- ۳- عامل در انجام عمل قصد تبرع کند به گونه ای که این قصد اثبات شود.

### ۴-۱- ضرورت انجام عمل به درخواست جاعل

همانگونه که فقها در باب استیفا از عمل دیگری فرموده اند هیچ کس حق طلب اجرت کاری را که بدون درخواست دیگری برای او انجام داده ندارد. مگر اینکه عمل را به درخواست او انجام داده باشد و از سویی عملش عرفاً دارای ارزش باشد (خمینی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۷). همین نظر نیز در ماده ۳۳۶ قانون مدنی منعکس شده است. بنابراین از اتحاد طریقی که میان ابواب استیفا و جعاله وجود دارد، قائل به این موضوع می باشیم که اگر کسی موضوع جعاله را انجام دهد در حالی که جاعل از او نخواست به او اجرتی تعلق نمی گیرد و از طرفی به نظر بعضی فقها اگر عامل قبل از التزام جاعل به جعاله موضوع جعاله را برآورده کند به علت عدم درخواست جاعل از او، به وی اجرتی تعلق نمی گیرد (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸، ۵۱۷).

فلذا اگر عامل در چنین وضعی از تبرع صحبت کند از او پذیرفته نمی شود چرا که او ولو اینکه به عملش اجرت تعلق بگیرد از آن جهت که جاعل انجام کار را از او نخواست به او اجرت تعلق نمی گیرد تا بحث تبرع پیش آید.

#### ۲-۴- لزوم تعلق اجرت به عامل مطابق با عرف

مطمئناً تبرع در جایی مطرح می شود که به عامل اجرتی تعلق بگیرد فلذا اگر عمل عامل عرفاً ارزش مالی نداشته باشد به او اجرتی تعلق نمی گیرد. به عنوان مثال اگر کسی مال دیگری را بدزد و صاحب مال در برابر یافتن و تحویل آن به او ملتزم به پرداخت اجرتی شود چون سارق خودش سبب این ضرر به عامل شده حالا که آن را بر می گرداند عرفاً عملش ارزش مالی ندارد و به آن اجرتی تعلق نمی گیرد (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸، ۵۱۷). به هر حال در جایی که به عمل عامل به هر دلیلی اجرت تعلق نگیرد مطمئناً بحث تبرع نیز معنا ندارد.

#### ۳-۴- وجود قصد تبرع عامل و اثبات آن

البته این شرط به تبع دو شرط دیگر مطرح می شود چرا که اگر به هر دلیلی به عامل اجرت تعلق نگیرد موضوع قصد تبرع سالبه به انتفاء موضوع است. با این پیش فرض که عامل مستحق اجرت است هر گاه او نسبت به اعمال که برای جاعل انجام داده قصد تبرع داشته باشد حق گرفتن اجرت از او را ندارد. این مسئله در جایی که عامل خود به آن اقرار کند روشن است اما در مواردی که قصد تبرع در عامل مشخص نیست باید مشخص شود که آیا او مستحق اجرت می باشد یا خیز؟ لذا بایستی قاعده ای را به عنوان اصل به دست آوریم تا بتوانیم در موارد مشکوک از آن استفاده کنیم که در زیر به این موضوع می پردازیم.

#### ۳-۴-۱- قاعده در تبرع

همانگونه که اصولیون مطرح کرده اند اصل بر عدم وجود هر چیز است مگر که خلاف آن ثابت شود. (محمدی، ۱۳۹۰، ۳۰۰). به همین خاطر است که حقوقدانان در موضوع تبرع، اصل را بر عدم آن می دانند بدین گونه که می گویند هر کس که کاری را انجام می دهد و در قبال آن عمل اجرتی به او تعلق بگیرد اصل بر اراده او در دریافت اجرت است چرا که طبق قاعده ی فقهی حرمت مال و عمل مسلمان، ضایع کردن عمل او امری قبیح است که شارع آن را رد کرده است و از سویی اصل لاضرر و لاضرار است که به نوعی عدم پرداخت اجرت به عامل از

سوی جاعل را ضرر به عامل میداند که مطمئناً شرع مقدس این موضوع را نفی نموده است. با این حال بعضی ها اشکال کرده اند که اصل بر براءة مدیون است و از سویی قسمت دوم ماده ۱۳۳۶ در رابطه با عمل زن در خانه را مورد استناد قرار می دهند بدین نحو که قانونگذار اصل را در انجام کار در خانه بر تبرع زن قرار داده است. در جواب اشکال اول میتوان گفت که اولاً اصل عدم تبرع بر اصل براءة حاکم است زیرا اصل عدم تبرع مستند به دلیل عقل، سیره ی عقلا، سیره ی عرفی و ظاهر حال است و لذا از امارات محسوب می شود در حالی که اصل براءة اصلی عملی است که در صورت نبود دلیل قطعی و ظنی جاری می شود حال آنکه میدانیم دلیل ظنی بر مشغول الذمه بودن جاعل از طریق عقد جعاله به وجود آمده است (محمدی، ۱۳۹۰، ۲۹۹). ثانیاً در جعاله می دانیم که سبب دین جاعل به عامل به واسطه ی عقد به وجود آمده و حال که در مدیون بودن یا بری بودن جاعل شک کنیم اصل استصحاب را جاری می سازیم و می دانیم که اصل استصحاب بر اصل براءة حاکم است. در جواب اشکال دوم نیز می توان گفت قانونگذار در یک مصداق مشخص که بنا را در آن بر ظاهر حال خانواده های ایرانی قرار داده است اصل را بر تبرع زن در دریافت اجرت قرار داده. لذا در موارد خاصی مثل مورد مذکور بایستی به قدر متیقن اکتفا کرد و نمی توانیم آن را به عام سرایت دهیم و عمومیت اصل عدم تبرع را از کار بیندازیم (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۲۸۸). بنابراین در جعاله و کلیه نهادهای حقوقی که تبرع در آنها مطرح می شود، اصل بر عدم تبرع عامل است مگر جایی که مدعی خلاف آن، تبرع در دریافت اجرت را ثابت نماید. همین موضوع نیز در جایی که عامل هیچ قصدی نسبت به تبرع یا عدم تبرع نداشته است استفاده می شود به گونه ای که بعضی از فقها در این موارد نیز عامل را مستحق اجرت می دانند (طباطبایی، ۱۴۲۰، ۶۲۲).

##### ۵- آثار تبرع بر متبرعین در جعاله

تبرع در جعاله یکسری آثار به دنبال خود دارد که مهمترین آنها، عدم برخورداری عامل از اجرت المسمی و اجرت المثل می باشد. بنابراین در این بخش لازم است انواع متبرعین را دسته بندی نموده و آثار تبرع بر آنها را بررسی نماییم.

۱- ماده ۳۳۶: ..... چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده ی او نبوده به دستور شوهر انجام دهد و قصد عدم تبرع داشته باشد و برای دادگاه ثابت شود مستحق دریافت اجرت از شوهر است

**۵-۱- متبرعین در جعاله**

در جعاله، بنا به ماهیت آن، ممکن است گاهی مواقع جاعل و گاهی مواقع عامل، قصد تبرع داشته باشند. از سویی بعضی مواقع اشخاص ثالثی غیر از عامل معین شده نیز ممکن است موضوع جعاله را انجام دهند، که در ذیل به بررسی هر یک از فروض گفته شده میپردازیم.

**۵-۱-۱ جاعل متبرع**

در مواقعی ممکن است جاعل بنا به علتی قصد تبرع در التزام جعاله را داشته باشد بدین گونه که یا اجرت آن را قدر کم تعیین می کند که در برابر کاری که برایش صورت میگیرد به نوعی میتوان گفت که به رایگان از عمل عامل استفاده میکند یا اینکه به محض اطلاعش از بدست آوردن موضوع جعاله توسط شخصی اقدام به ایجاب جعاله می کند بر این مبنا که طبق فتوای برخی از فقها، در اینجا عامل مستحق اجرت نیست (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۱۷) و گاهی نیز جاعل اگر چه ملتزم به پرداخت اجرتی شده است اما عوامل خارجی مانع پرداخت اجرت به عامل می شود یا اینکه جاعل با این نیت ملتزم به پرداخت جعل شده است که عامل از او اجرتی نمی گیرد. در ذیل به بررسی هر یک از این فروض مختلف میپردازیم.

**۵-۱-۲ تبرع جاعل بر مبنای ناچیز بودن اجرت**

درباره ی این موضوع فقها مطلبی نیاورده اند لذا می توان گفت از آنجا که جعاله نوعی التزام است. لذا وقتی که جاعل ملتزم به پرداخت اجرتی به عامل میشود در مقابل عامل متعهد است ولو اینکه عمل عامل ارزش چند برابر داشته باشد لذا اگر جاعل ملتزم به پرداخت یک شاخه نبات در برابر ساخت خانه ای میلیونوی توسط عامل باشد بعید است که بتوانیم در اینجا اجرت المثلی برای عامل در نظر بگیریم. در این حالت عامل بر علیه خود چنین جعل اندکی را پذیرفته و به عبارتی با جاعل بر سر این موضوع صلح کرده است. لذا در اینجا جاعل ولو اینکه چیزی میپردازد اما به علت قلت و بی ارزشی آن، مثل آن است که به رایگان از عمل عامل استفاده کرده است پس او نسبت به عامل در حکم متبرع است.

### ۵-۱-۳- تبرع جاعل بر مبنای انشاء جعاله پس از بدست آمدن موضوع جعاله

همانگونه که بعضی فقها گفته اند اگر جعاله پس از بدست آمدن موضوع آن انشاء شود، عامل مستحق اجرت نیست (امام خمینی، ۱۳۶۸، ۵۱۵). بعضی از حقوقدانان در این حالت، در صورت وجود یکسری شرایط عامل را مستحق اجرت المثل می دانند (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۲۶۶). به هر حال از آنجا که گفتیم یکی از شرایط تعلق اجرت به عامل، درخواست جاعل از او به انجام کار است، به نظر در اینجا الزامی برای جاعل جهت پرداخت اجرت به وجود نمی آید هرچند که از عمل عامل منتفع شده است.

### ۵-۱-۴- تبرع جاعل بر مبنای عوامل خارجی

گاهی مواقع جاعل، ملتزم به پرداخت اجرتی می شود اما همانگونه که گفتیم عاملی بیرونی مانع از پرداخت اجرت توسط او می شود ولو اینکه عامل را مستحق اجرت از جانب غیر جاعل مثل بیت المال بدانیم یا نه. در فرض جعاله ای که پدری برای درمان کودکش می کند شارع طیب را در این حال مستحق اجرت از جانب جاعل نمی داند. هر چند که طیب باید از بیت المال ارتزاق کند (لطفی، ۱۳۹۲، ۱۲). به هر نحو در این حالت جاعل ولو اینکه قصد پرداخت اجرت را داشته باشد چون از سوی شارع از پرداخت اجرت معاف شده است، نسبت به عامل متبرع است.

### ۵-۱-۵- عدم تاثیر نیت تبرع جاعل در پرداخت اجرت

در این فرض اگر تمامی شرایط پرداخت اجرت به عامل فراهم باشد، عامل مستحق اجرت است بنابراین ولو اینکه جاعل قصدی در پرداخت اجرت نداشته باشد بر مبنای التزامی که از جعاله حاصل شده بایستی اجرت المسمی را به عامل بپردازد.

### ۵-۲- عامل متبرع

در این فرض مشخصا در همه ی مواردی که گفتیم جاعل الزامی به پرداخت اجرت به عامل ندارد، به نوعی عامل نیز نسبت به جاعل متبرع است ولو اینکه قصد دریافت اجرت هم داشته باشد. اما فرض بارز در این مورد وضعیت عاملی است که مستحق اجرت می باشد با این حال ممکن است او هنوز تصمیمی بر تبرع و یا عدم آن نسبت به جاعل نگرفته باشد یا در فرضی دیگر قصدش مبنی بر تبرع نسبت به دریافت اجرت را اعلام داشته است که در ذیل به

این دو فرض می پردازیم.

### ۵-۲-۱- وضعیت تبرع عاملی که قصد تبرع یا عدم آن نزد خودش مشخص نیست.

در فرض حالتی ممکن است که عامل با اینکه عمل را انجام داده اما به علتی مثل عدم آگاهی به اینکه عملش دارای ارزش است وضعیت تبرع یا عدم تبرعش در انجام عمل حتی نزد خودش مشخص نیست. در این حالت به گفته بعضی از فقها در باب استیفا، عامل مستحق اجرت است (طباطبایی، ۱۴۲۰هـ ق، ۶۲۲). و دلیل ما در اینجا قاعده ی حرمت مال و عمل مسلمان است. لذا در این حالت عامل نیازی به ثبوت قصدش در عدم تبرع ندارد. البته قانونگذار در قسمت دوم ماده ۳۳۶ بر خلاف نظر ما در مورد تعلق اجرت به عمل زن در خانه چنین گفته که زن باید ثابت کند که برای اخذ اجرت در خانه شوهر کار می کرده که البته گفته اند که این حکم بر مبنای ظاهر روابط خانوادگی در ایران است که خصوصیت در همین مورد دارد. هر چند در این مورد اکثر زنان ایرانی نسبت به حقتشان در دریافت اجرت اعمالی که در خانه شوهر که به دستور او انجام داده اند نیستند لذا بعید است که بتوان چنین ظاهری را که مبتنی بر عدم آگاهی است پذیرفت. به هر حال قاعده کلی تعلق اجرت به عامل بدون نیاز به اثبات عدم تبرع از جانب اوست.

### ۵-۲-۲- وضعیت تبرع عاملی که قصد تبرع دارد

در این حالت از آنجا که عامل از حق خود به اختیار می گذرد لذا اگر تبرع او قبل از شروع عمل باشد، جاعل هیچ تعهدی بر ذمه اش قرار نمی گیرد. با این حال چون هنوز کاری انجام نگرفته و لازم است که نیت تبرع در جعاله همزمان با جزء جزء عمل باشد پس هر لحظه که عامل بخواهد میتواند از نیت تبرعش باز گردد. در جایی که عامل میزانی از عمل را انجام داده و بعد ذمه ی جاعل را از دین بری می کند چون جاعل دیگر متعهد به چیزی نیست حق بازگشت از تبرعش را ندارد. در هر حال عاملی که ملتزم به تبرعی کار کردن نسبت به اعمال آینده شده است، در صورتی که تبرعش مخالف مواد ۹۵۹<sup>۱</sup> و ۹۶۰<sup>۲</sup> قانون مدنی نباشد ملزم به

<sup>۱</sup> - ماده ۹۵۹: هیچ کس نمی تواند به طور کلی حق تمتع و یا حق اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب نماید.

<sup>۲</sup> - ماده ۹۶۰: هیچ کس نمی تواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرف نظر نماید.

تعهد خود میبشد. البته ممکن است گفته شود که در اینجا هنوز تعهدی برای جاعل به وجود نیامده تا ما بتوانیم تبرع عامل را صحیح بدانیم. در جواب این اشکال می توان گفت که اکثر فقها و حقوقدانان براثت ذمه ی کسی را که سبب مدیون شدنش فراهم شده است صحیح می دانند. لذا در اینجا بر فرض اینکه جعاله خاص باشد و موضوع جعاله عملی باشد که مطمئناً میدانیم عامل آن را انجام می دهد تبرع قبل از انجام گرفتن عمل صحیح است و عامل حق رجوع از آن تبرع را ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۲۴۶).

### ۳-۵- تبرع اشخاص ثالث در جعاله

در جعاله گاهی مواقع ممکن است فردی که مشمول ایجاب جاعل نبوده عمل جعاله را انجام دهد و در مواقعی دیگر شخص ثالث ممکن است برای به انجام رساندن نیاز دیگری از جانب خود انشاء جعاله کند و نیز در مواردی انشاء جعاله ای را به دروغ به کسی نسبت دهد که در زیر به بررسی هر یک از این فرض میپردازیم.

#### ۳-۵-۱- تبرع اجنبی (شخص ثالث) در جعاله

در این فرض گاهی مواقع جاعل نسبت به فرد یا افراد معینی ایجاب جعاله می کند، اما شخصی غیر از این افراد معین موضوع جعاله را انجام می دهد. در این فرض دو حالت به وجود می آید بدین توضیح که شخص ثالث یا مستقیماً موضوع جعاله را برآورده کرده است و یا به عامل معین کمک نموده تا او موضوع جعاله را انجام دهد. که این فرض را در ادامه توضیح می دهیم.

#### ۳-۵-۱-۱- تبرع عامل ثالث مستقل

در جایی که جاعل ایجاب را نسبت به شخص معینی قرار داده است، مشخص است که از دیگران نخواستار تا برایش کاری انجام دهند بنابراین یکی از شرایط تعلق اجرت به عامل که همان درخواست کار از جانب دیگری بوده است در اینجا مفقود است. به همین خاطر چنین عاملی حق دریافت اجرت المسمی و اجرت المثل را از جاعل ندارد (خمینی، ۱۳۶۸، ۵۱۷).

### ۵-۳-۱-۲- تبرع یاری کنندگان عامل معین در جعاله

در این فرض یک سری اشخاص هستند که عامل را جهت تحقق بخشیدن موضوع جعاله یاری می دهند. در عقد جعاله از آنجا که مهم تحقق نتیجه است (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۲۶۱). هنگامی که عامل عملی را انجام می دهد مستحق اجرت است ولو با کمک دیگران مگر اینکه جاعل شرط مباشرت عامل در انجام کار را کرده باشد لذا درجایی که افرادی به عامل کمک می کنند، عامل مختار است که به معاونینش اجرتی بپردازد یا نه. البته بعضی از اساتید حقوق و بعضی از فقها کمک به عامل را در صورتی که معاونین قصد تبرع نسبت به جاعل را داشته باشند مستحق اجرت به معاونین میدانند به گونه ای که با تبرع معاونین از سهم اجرت عامل به میزان کمکی که به او شده است کاسته می شود و اگر معاونین قصد تبرع به عامل را نموده باشند از سهم عامل چیزی کاسته نمی شود (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۲۶۹؛ خمینی، ۱۳۶۸، ۵۱۹).

### ۵-۳-۲- تبرع جاعل غیر ذی نفع

در این فرض ممکن است فروض مختلفی پیش آید گاهی دیگری برای غیر و از جانب خود انشاء جعاله می کند و گاهی از جانب اصیل انشاء جعاله می کند.

### ۵-۳-۱-۲- تبرع جاعل انشاء کننده ی جعاله برای غیر

در صورتی که شخصی برای منافع دیگری انشاء جعاله کند اگر پس از پرداخت اجرت به عامل به صاحب منفعت رجوع کند هیچگونه حقی بر او ندارد چرا که شرط درخواست کار از جانب او برای تعلق اجرت مفقود است. لذا او نسبت به صاحب منافع متبرع است.

### ۵-۳-۲-۲- تبرع جاعل انشاء کننده جعاله از جانب غیر

در این صورت اگر انشاء جعاله ی فضولی را صحیح بدانیم اگر چنین جعاله ای را اصیل تنفیذ کند، خود او باید اجرت را بپردازد اما اگر جعاله را تنفیذ نکند، جعاله باطل میباشد با این حال چون انجام عمل توسط عامل به درخواست فضول بوده است با اتحاد طریقی که میتوان از مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی به دست آورد. میتوانیم فضول را در پرداخت اجرت المثل به عامل مسئول بدانیم که در این حال فضول نسبت به اصیل در حکم متبرع است.

لازم است در ذیل همین مبحث به موضوع نسبت دادن انعقاد یک جعاله به دیگری به گونه‌ای که آن نسبت دروغ است بپردازیم. در حالتی که کسی به دروغ می‌گوید فلانی در قبال انجام کار به عامل اجرتی می‌دهد، باید بگوییم به نظر در اینجا اگر کذب کاذب از طریق اعمال فریب دهنده به نوعی موجب فریب هر شخص معقولی شود بتوانیم او را مسئول پرداخت اجرت المثل به عالم بدانیم اما اگر دروغ او آشکار باشد و باز عامل عمل را انجام دهد می‌توان گفت که عامل به نوعی در انجام عمل قصد تبرع داشته است (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸، ۵۱۷). چرا که شخص عاقل به ضرر خود اقدام نمیکند.

### نتیجه‌گیری

در جعاله‌های با موضوع مشروع، قاعده بر این است که پس از انجام عمل عامل مستحق اجرت است مگر اینکه ثابت شود که او این کار را به قصد تبرع انجام داده است با این حال عاملی که بدون درخواست جاعل کاری را انجام داده است مستحق اجرت نمی‌باشد هر چند که کار را به قصد اجرت انجام داده باشد. متبرعین در جعاله مشخصاً ممکن است یک یا چند تن از این افراد باشند:

۱- جاعل

۲- عامل

۳- شخص ثالث.

جاعل علی‌الاصول با انجام گرفتن موضوع جعاله ملزم به پرداخت اجرت به عامل است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. در مورد عامل نیز باید بگوییم که او علی‌الاصول در صورت تحقق شرایط لازم برای دریافت اجرت مستحق اجرت است مگر خلاف آن که همان انجام عمل به قصد تبرع است به نحوی آشکار شود. اشخاص ثالث نیز در صورتی که طبق نهاد جعاله و به درخواست جاعل کاری انجام دهند یا طبق درخواست دیگری برای او انشاء جعاله کنند مستحق اخذ اجرت از صاحب منفعت می‌باشند مگر خلاف آن که همان انجام عمل از جانب خود و بدون درخواست دیگری است ثابت شود.

## منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم

منابع فارسی:

- ۱- الجبعی العاملی، زین الدین (۱۳۹۲)، مباحث حقوقی الروضه البهیه فی الشرح اللمعه الدمشقیه، تهران، انتشارات مجد
- ۲- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ هـ ق)، کتاب المطالب المحرمه والبیع و الخیارات، قم، نشر کنگره ی جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری
- ۳- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸)، قواعدفقّه، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- ۴- جهانبخش، ولی الله (۱۳۶۱)، فرهنگ بیان، تهران، دنیای مطبوعات و انتشارات حجتی
- ۵- حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ هـ ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان.
- ۶- صفایی، سید حسین، قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۸)، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، تهران، انتشارات سمت.
- ۷- صفایی، سیدحسین، امامی، اسدالله (۱۳۹۱)، مختصر حقوق خانواده، تهران، بنیاد حقوقی میزان
- ۸- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱)، دوره ی مقدماتی حقوق مدنی، تهران، گنج دانش
- ۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱) عقود معین، تهران، انتشارات گنج دانش
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)، قانون مدنی در نظم کنونی، تهران، بنیاد حقوقی میزان
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، قواعد عمومی قراردادها، تهران شرکت سهامی انتشار
- ۱۲- قانون مدنی ایران

۱۳- محمدی، ابوالحسن (۱۳۹۰)، مبانی استنباط حقوق اسلامی اصول فقه، تهران،

انتشارات دانشگاه تهران

۱۴- مرادی، امیر (۱۳۹۴)، کمک حافظه اصول فقه، تهران، انتشارات دوراندیشان

۱۵- مکی العاملی، جمال الدین (۱۳۷۷)، لمعه دمشقیه، ترجمه ی محسن غرویان،

علی شیروانی، قم، انتشارات دارالفکر

۱۶- موسوی الخمینی، روح الله (۱۳۶۸)، تحریر الوسیله، قم، دفتر انتشارات اسلامی

۱۷- موسوی الخمینی، روح الله (۱۴۲۶ هـ ق) توضیح المسائل، قم، دفتر انتشارات اسلامی

۱۸- نجفی، محمد حسین، محمود قوچانی (۱۳۷۲)، جواهر الکلام فی، تهران، کتابفروشی

اسلامیه

۱۹- یزدی طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۴۲۰ هـ ق)، عروه الوثقی، قم، موسسه نشر

اسلامی